

سورة الاحقاف



سازمان بسیج دانش آموزی

بِسْمِ تَعَالَى



جمهوری اسلامی ایران



سپاه
یاسدانان
انقلاب
اسلامی

۱۳۵۷

بِسْمِ رَبِّ الشَّهْرَةِ وَالصَّرِيفِ

فرازی از زندگی نامه و وصیت نامه طلبه

شهید رضا فیروز



*تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۵/۵

*تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۷/۳۰

*محل دفن: دولت آباد

*محل شهادت: سر دشت

شهید رضا فیروز در شهر دولت آباد از توابع تربت حیدریه متولد شد. پدر شهید می گوید: در شب تولد وی سیدی مهمان ما بود، او مولود را در آغوش گرفت و اقامه درگوشش خواند و دعا کرد که او عاقبت به خیر باشد. رضا پیش از دبستان قرآن خواندن را فرا گرفت و سال های اول و دوم دبستان را در یکسال تمام کرد، پس از به اتمام رساندن دوره متوسطه در حوزه به تحصیل پرداخت. این پسر خداشناس و مومن یک بار بدون اجازه پدر و مادرش به شهری دیگر مسافرت کرد و پس از برگشتن چون احساس کرده بود پدر و مادرش از مسافرت وی رضایت نداشتند قضای نماز های مسافرت را به جا آورد.

با معلمین خود روابطی دوستانه داشت و سعی می کرد غذای آنها را از منزل پدر و مادر تامین کند اوقات فراغت را به مطالعه و کمک به پدر در کارهای کشاورزی می گذراند، چون به سن نوجوانی رسیده بود تمایل داشت مرغداری و دام داری احداث کند، در همین دوران شب ها در مسجد تفسیر قرآن می گفت و همراه دعای توسل به مداحی اهل بیت مشغول می شد، گاهی مشکلات خود را از روحانی محل می پرسید.

این روحانی عزیز و اولین شهید دولت آباد روحیه شهادت طلبی داشت و خوب مردن را شرط دنیا و آخرت می دانست.

در سال ۱۳۶۰ اعازم جبهه شد و پس از ۴۵ روز ترکش به با زویش اصابت کرد و مجروح شد، در بیمارستان اهواز و یک هفته در بیمارستان شیراز بستری شد.

این شهید گران قدر در ۱۳۶۲/۷/۳۰ در کرستان حین مبارزه با کردها در عملیات والفجر ۴ در ارتفاعات سردشت بر اثر اصابت گلوله به پیشانی به آرزوی قلبی خود که شهادت بود رسید. بدن این شهید بزرگوار پس از تشیع در مزار شاه عبد الحکیم شهر دولت آباد به خاک سپرده شد. /

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود به پیشگاه بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی. پدر و مادر گرامی، امشب تاسوعای حسینی است و قرار است فردا به عملیات برویم. چند کلمه ای با عنوان وصیت نامه می نویسم. بدانید که جهان کفر در مقابل جهان اسلام قرار گرفته است و از هر سو برای پاره کردن پیکر اسلام دست به دست هم داده اند. شهدا با رفتنشان بار سنگینی بر دوش ما نهادند. آماده باشید همت بسته و این بار را تا سر حد فنای خود به دوش کشید. مبادا بی اعتنا باشید که گناهی بزرگ است.

پدر جان، اگر شهادت که فخر اولیاء الله است نصیب این حقیر گنه کار شد ناراحت نباشید، که بهترین ثمره را از عمرتان برداشت کرده اید. از مال و و منال دنیا چیزی جز چند جلد کتاب ندارم اگر در دولت آباد کتابخانه ای عمومی وجود دارد یک سوم آنها را به کتابخانه هدیه کنید. یک سوم پولی که بسیج برای خدمت می دهد به جبهه کمک کنید و اگر خواستید همه اش را کمک کنید بهتر است.

((خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی حسینی را ننگه دار))

روح‌سنت شاد و یادش گرامی باد